



محمد صادق اسماعیلی
کارگردان فیلم مستند «آگیرا»

بحران هویت
یکی از دغدغه‌های قدیمی من است



فیلمی است که من در بخش مسابقه ملی جشنواره «سینما حقیقت» ارائه کرده‌ام و سومین فیلمی که هم در بخش ملی و هم در بخش بین الملل جشنواره حضور یافته است. به طور کلی، تم فیلم‌های قبلی من نیز مشابه «آگیرا»، تم جستجو است. بحران هویت یکی از دغدغه‌های قدیمی من است و متأسفانه یکی از بزرگترین معضلات استان کرمان که استانی پهناور است، افرادی هستند که شناسنامه ندارند. از سوی دیگر به نظر من جامعه کمتر با رنج‌های روانی ناشی از بحران هویت آشناست به همین دلیل فکر می‌کنم هرچقدر هم راجع به این موضوع فیلم ساخته شود باز هم کم است. از آنجاییکه ساحت سینمای مستند این است که یک امر پذیرفته شده را به چالش بکشد، مانیز تلاش می‌کنیم با پرداختن به این موضوعات، ذهن مخاطب را به سوی این بحران‌ها هدایت کنیم. این مسائل نه تنها در کرمان و حاشیه آن بلکه در حاشیه شهرهای دیگر، از جمله تهران، نیز وجود دارد و حتی در جنوب شرقی ایران نیز یک ریشه تاریخی دارند.

در واقع، ربابندگان خود پشیمان بودند و بیشتر از همه نیز بابت این که هیچ‌گاه برای علی شناسنامه نگرفته بودند، احساس پشیمانی داشتند. آن‌ها حتی سال‌ها او را در خانه نگه داشته و به مدرسه نفرستاده بودند تا همسایه‌ها متوجه حضور او نشوند. این موضوع باعث ایجاد ترومای جدی روانی برای خود ربابندگان شده بود. در طول مسیر نیز اطلاعات زیادی می‌مانی دادند، زیرا می‌ترسیدند اگر علی مادرش را پیدا کند، بتواند علیه آن‌ها شکایت کند. اما علی صرفاً به دنبال هویت خود بود بنابراین در فرایند حقوقی مشکلی پیش نیامد، اما فرایند فیلمبرداری بسیار دشوار بود، زیرا راضی کردن سایر پرسونل‌های مرتبط با داستان بسیار سخت بود. با توجه به اینکه منطقه حاشیه شهر، منطقه‌ای با مسائل اجتماعی خاص و بزه است، نگاه افراد نسبت به فعالیت ما بگونه‌ای بود که سخت راضی به همکاری می‌شدند، اما در نهایت توانستیم با آن‌ها همکاری کنیم. یکی از دلایل طولانی شدن فیلمبرداری نیز همین بود که اطلاعات را به آرامی جمع‌آوری می‌کردیم.

محمد صادق اسماعیلی در مستند «آگیرا» به جلب توجه عمومی نسبت به بحرانی قدیمی می‌پردازد و بحرانی که سالهاست در بخش‌های مختلف کشور با آن روبرو هستیم، در دل داستانی داراامتیگ اما واقعی خود را نشان می‌دهد تا برای بار پنجم محمد صادق اسماعیلی در جشنواره سینما حقیقت اثری تاثیرگذار را تقدیم دیدگان مخاطب کند.

تا چه اندازه برای شما «اثرگذاری اجتماعی» به عنوان یک مؤلفه آگاهانه در فرآیند فیلم‌سازی مستند اهمیت دارد و این نگاه چگونه مسیر حرفه‌ای شما را در انتخاب سوز و شیوه روایت شکل داده است؟

مهم‌ترین مولفه در ساخت فیلم مستند برای من، امر تأثیرگذاری است. برای مثال، در سال ۱۳۹۷ فیلمی ساختم که در جشنواره حقیقت نیز حضور یافت و روایت گر قصه هفت زنی بود که همسرانشان محکوم به حبس ابد بودند. پس از ساخته شدن این فیلم، به دستور رئیس وقت قوه قضاییه، هر هفت نفر از زندان آزاد شدند. این فیلم بسیار ساده و بی ادعا بود، اما اتفاقی را رقم زد که می‌توان آن را آورده و ارزش افزوده سینمای مستند دانست و من کلان این اتفاق را امری بسیار پسنیدیده می‌دانم و بسیار علاقه‌مند هستم که بتوانم بر زندگی سوزها یا جامعه‌ای که با آن کار می‌کنم، تأثیری بگذارم. این تجربه باعث شد که نگاه من به سینمای مستند جدی‌تر شود و علاقه‌ام به این حوزه بیشتر شود. از منظر دیگر، حرفه من به طور تخصصی فیلم‌سازی مستند است و سالهاست که در این عرصه پژوهش می‌کنم و فعالیت دارم و مرا به عنوان یک مستندساز می‌شناسند و تمام این عوامل سبب می‌شوند تا این مسیر را با جدیت بیشتری دنبال کنم.

حضور شما به عنوان گروه مستند در کنار علی، چه تأثیری در پیشبرد هدف خود علی داشت؟

ما از یک جایی به بعد، دستگاه قضایی کرمان را در جریان گذاشتیم و آن‌ها به ما کمک بسیاری کردند تا بتوانیم ربابندگان را بازپرسی کنیم و مشخص کنیم از کدام بیمارستان علی رار بوده‌اند، به چه صورت این اتفاق افتاد و آیا می‌توانیم به پرونده‌های بیمارستان دسترسی داشته باشیم یا نه. خوشبختانه دستگاه قضایی همکاری گسترده‌ای داشت و در ادامه روند نیز کمک‌هایشان ادامه یافت. ما نزدیک به سه سال، یعنی تقریباً از سال دوم شروع فیلمبرداری، درگیر گرفتن شناسنامه برای علی بودیم؛ زیرا علی هیچ هویتی نداشت و حتی ایرانی بودن او نیز مسلم نبود. این موضوع شرایط کار ما را بسیار پیچیده می‌کرد، اما با پیگیری‌های فراوان در دستگاه‌های اجرایی کرمان، مسئله شناسنامه دار شدن علی حل شد. از آن شناسنامه‌هایی که دادگاه خانواده ارائه می‌دهد و اصطلاحاً شناسنامه حکمیتی نامیده می‌شوند، شناسنامه‌ای مشابه آنچه برای کودکان پرورشگاهی صادر می‌شود و به چنین افرادی یک هویت رسمی می‌دهد. ما در این مسیر برای به سرانجام رسیدن این مسئله تلاش بسیاری کردیم و نتیجه حداقل برای ما بسیار خوشایند بود.

از این اسم خاص و ارتباط معنایی آن با خود سوز بگویید.

در فرهنگ واژگان کرمانی، «آگیرا» به معنای «آتش گرفته» یا «گر گرفته از درون» است؛ یعنی به کسی که از درون دچار یک گرگی یا التهاب روانی شده باشد اصطلاحاً می‌گویند که آگیرا دارد. این موضوع با سوز فیلم ما بسیار مرتبط است، زیرا قصه فیلم «آگیرا» روایت پسر جوانی به نام علی است. او وقتی یک روزه و نوزادی تازه متولد شده در یکی از بیمارستان‌های کرمان بود، توسط دوزن و یک مرد از بیمارستان روده می‌شود. علی اکنون حدوداً ۲۰ ساله دارد و به تازگی متوجه شده که افرادی که تا پیش از این ادعا می‌کردند خانواده‌اش هستند، در واقع ربابندگان او بوده‌اند و علی در تلاش است تا نشانی از مادر خود پیدا کند.

پروژه ساخت آن حدوداً چقدر طول کشیده است؟

ما از سال ۱۳۹۹ فرایند فیلمبرداری این اثر را آغاز کردیم و تا سال ۱۴۰۴ یعنی حدود پنج سال درگیر تولید آن بودیم و خدا را شکر، امسال موفق شدیم فیلم را به جشنواره «سینما حقیقت» برسانیم.

آشنایی شما با این سوز به چه صورت بود؟

من اصالتاً کرمانی هستم و در منطقه حاشیه شهر کرمان فعالیت‌های متعددی داشته و داریم. یکی از این فعالیت‌ها مربوط به هیئتی به نام «مهدی جان (عج‌الله)» است و علی نیز یکی از بچه‌های این هیئت بود و روزی پس از یک مراسم، داستان زندگی خود را برای من تعریف کرد. در ابتدا این موضوع رپوده شدن او برای من بسیار شگفت‌آور بود اما سپس برای تحقیق به بیمارستان مراجعه کردم و از ربابندگان پرس‌وجو کردم و متوجه شدم که صحت دارد و این کودک از بیمارستان رپوده شده بود. با این حال، آن‌ها اطلاعات خاصی به ما نمی‌دادند و حتی اسم بیمارستان را فاش نمی‌کردند. همین امر باعث شد که ما احساس کنیم این سوز برای تولید فیلم مستند بسیار مناسب است.

یکی از نکاتی که توجه مرا جلب کرد، بحث قانونی و حقوقی موضوع ربودن کودک بود. چگونه توانستید این افراد را راضی کنید تا با شما همکاری کنند؟ آیا پیگیری قانونی شد؟

«آگیرا» در کدام دسته بندی از آثار مستند جای می‌گیرد؟

اگر بخواهیم «آگیرا» را از منظر موضوعی بررسی کنیم، جزو آثار اجتماعی قرار می‌گیرد. اما اگر به لحاظ شکلی آن را بررسی کنیم در دسته مستند‌های مشاهده‌گر مستقیم قرار می‌گیرد، در این نوع مستند، فیلم‌ساز با سوزها و موقعیت‌ها برخوردی بی‌واسطه دارد و تلاش می‌کند آن را دراماتایز کرده و موقعیت را به گونه‌ای برای مخاطب بازگو کند که گویی در حال خواندن یک رمان، دیدن یک نمایش یا شنیدن یک داستان است. در این نوع ساختار، مولفه‌های سینمای داستانی و مولفه‌های سینمای مستند با هم تنیده می‌شوند و به ساختاری اصیل می‌رسند که مستندهایی مانند آگیرا در درون مایه‌اش جای می‌گیرند.

آی‌ا‌لی در نهایت موفق به پیدا کردن مادرش می‌شود؟

حقیقتش ترجیح می‌دهم به این سوال پاسخ ندهم، زیرا این بزرگترین تعلیق فیلم است که مخاطب ۸۳ دقیقه برای یافتن پاسخ این سوال فیلم را دنبال می‌کند.

« آ گ ر ا »

چندمین اثر و حضور شما در جشنواره سینما حقیقت است؟
«آگیرا» پنجمین

